

اندیشه تقرب سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۲، پیاپی ۴۵ ص ۱۲۵ - ۱۳۷	Andisheh-Taqrib.45 Vol. No. 2, Summer 2023 P. 125 - 137
--	--

نقش سازنده حزب الله لبنان در تداوم جبهه مقاومت

سید محمود کمال آرا (زکریا)^۱

چکیده

مقاومت، گروهی مسلح نیست که تنها در پی آزادسازی تکه زمینی باشد یا عملکردی موقت که نقش آن پس از مرتفع شدن یکی از اهدافش به پایان رسد، بلکه یک نگرش و روش است و تنها یک واکنش نظامی نیست. مقاومت حزب الله لبنان بخشی از یک نگرش فکری، سیاسی و مبارزاتی کمال یافته اسلامی، برای ساختن کشوری نیرومند، با ثبات و مستقل است. این مقاومت را حزب الله از راه‌های مشروع به اجرا می‌گذارد، برخوردار از همه گونه حمایت‌ها و تاییدات مردمی است، با تعالیم بلند آسمانی و حق بشر در زمینه عدالت، آزادی و کرامت انسانی سازگاری دارد. اصول خط‌مشی حزب الله لبنان بر پایه ایمان به اسلام است. حزب الله بر پایه ایمان به اسلام فعالیت خود را آغاز کرد، زیرا باور دارد که «دین، نزد خدا همان اسلام است». درک و نگرش حزب به مسائل گوناگون، بر پایه چنین ایمانی است و میان حرکت عملی و پایه‌های عقیدتی جدایی نمی‌بیند. با این همه، بیان اصول اسلامی به‌طور کلی کفایت نمی‌کند، چراکه وجود تفسیرهای متفاوت و فرقه‌ها و گرایش‌ها و احزاب متعدد نشانگر ضرورت بیان جزئیات به‌طور مشخص است. طبیعتاً عواملی حزب الله و مقاومت را در این جایگاه قرار داده و در جهان بیرونی این سازمان را از سایر گروه‌ها در جهان متمایز ساخته است. نقش سازنده حزب الله لبنان به مفهوم بازپردازی پروژه مقاومت، دستاوردهای جهادی، چگونگی سازمان دهی، تعامل آن با سایر فعالیت‌های عمومی، نقطه‌های روشن در تاریخ

۱. بنیان‌گذار اندیشگاه ایران و سایر ملل / مولف کتاب یک‌صدگانه اندیشه و سیاست / روزنامه نگار آزاد / دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی واتس‌آپ: ۰۰۹۸۹۱۹۸۳۴۱۷۸۲ mkamalara@yahoo.com

حزب، مواضع و عملکرد آن در مساله فلسطین و آزادسازی سرزمین‌ها از اشغال، مشارکت در نهادهای یک نظام غیراسلامی، همگامی با مردم و توجه به مسائل و امور آنان و روابط حزب با اطراف مختلف در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. در این مقاله با بهره‌گیری از سخنان و مواضع شیخ نعیم قاسم جانشین دبیرکل حزب‌الله لبنان به اجمال و اختصار به مسائلی نظیر؛ حزب‌الله، تجمعی فرقه‌گرا یا روشمند؟، پیش‌بینی‌های آینده در حزب‌الله لبنان و گروه‌های مقاومت، تداوم مقاومت، احتمالات برای اعمال فشار بر گروه‌های مقاومت و حزب‌الله لبنان در چارچوب منظومه دیدگاه‌های و رویکردهایی که راهبر حزب به سوی تحقق اهداف در حرکت بوده است مورد بررسی قرار می‌گیرد و به سراغ پژوهشی تحت عنوان نقش سازنده حزب‌الله لبنان در تداوم جبهه مقاومت خواهیم رفت.

واژگان کلیدی: حزب‌الله، لبنان، مقاومت، فلسطین، صهیونیسم، شهادت طلبی

مقدمه:

دیدگاه حزب‌الله لبنان

مقاومت، گروهی مسلح نیست که تنها در پی آزادسازی تکه زمینی باشد یا عملکردی موقت که نقش آن پس از مرتفع شدن یکی از اهدافش به پایان رسد، بلکه یک نگرش و روش است و تنها یک واکنش نظامی نیست.

دیدگاه حزب‌الله

حزب‌الله بر این باور است که پیروزی الهی بزرگی که در لبنان به دست آمد، نخست به توفیق خدای متعال و دوم به درستی‌ها و مدیریت سیاسی و مبارزاتی مسیر مقاومت اسلامی برمی‌گردد. از دید حزب‌الله، نمی‌توان این پیروزی را در دایره نظامی محصور کرد، زیرا بسیار فراگیرتر و گسترده‌تر از آن است و پیروزی واقعی خط‌مشی حزب و حمایت مردمی گسترده از مقاومت و پیروزی اراده آزادی و استقلال است. مقاومت حزب‌الله لبنان بخشی از یک نگرش فکری، سیاسی و مبارزاتی کمال یافته اسلامی، برای ساختن کشوری نیرومند، با ثبات و مستقل است. این مقاومت را حزب‌الله از راه‌های مشروع به

اجرا می‌گذارد، برخوردار از همه‌گونه حمایت‌ها و تاییدات مردمی است، با تعالیم بلند آسمانی و حق بشر در زمینه عدالت، آزادی و کرامت انسانی سازگاری دارد و دارای دو هدف اصلی است:

آزادسازی سرزمین از اشغال و دفاع از لبنان در رویایی با چالش‌ها و خطراتی است که در اسرائیل متجلی است. حزب‌الله نگرشی روشن دارد. مقاومت، گروهی مسلح نیست که تنها در پی آزادسازی تکه زمینی باشد یا عملکردی موقت که نقش آن پس از مرتفع شدن بهانه‌اش به پایان رسد، بلکه یک نگرش و روش است و تنها یک واکنش نظامی نیست. حزب‌الله به ضرورت ساختن جامعه مقاومت در لبنان ایمان دارد تا این کشور نیرومند باشد و استقلال و حاکمیت خود را درگیر و دار اوضاع خطرناک و نگرانی‌آور منطقه، که اسرائیل به دلیل پروژه توسعه طلبانه‌اش تهدیدی راستین برای آن به شمار می‌رود، تحکیم بخشد. در غیر این صورت، تحمیل شرایط دشمن و نابودی قدرت و توان لبنان در حفظ حاکمیت، آزادی و استقلال خود جایگزین خواهد شد. پروژه مقاومت که حزب‌الله آن را مطرح می‌کند، توانایی تداوم و استمرار دارد و باید آن را در معرض تبادل نظر با همه‌آحاد ملت لبنان گذاشت تا در مورد مراحل آن توافقی صورت پذیرد. مقاومت از دید حزب‌الله، یک نگرش جامعه‌گرا با همه ابعاد آن است:

مقاومتی نظامی، فرهنگی، سیاسی و تبلیغاتی است، مقاومت ملت و مجاهدان، مقاومت حاکم و مردم و مقاومت وجدان آزاد در هر جایگاه و مکانی است.

لذا ما همواره دعوت به ساختن جامعه مقاومت کرده ایم و هرگز به بسنده کردن به گروه یا مجموعه مقاومت تن نداده ایم، زیرا جامعه مقاومت تداوم‌پذیری را در خود دارد، اما یک گروه مقاومت دارای عملکرد معطوف به شرایط زمانی خاصی است.

آوازه حزب‌الله با ویژگی اسلامی و عملکردش در مقاومت و مبارزه، در زمانه‌ای بر سر زبان‌ها افتاد که از دید بسیاری افراد، عناوین اسلامی از ایجاد جذابیت و اثرگذاری بر مخاطبان و همگامی با مقتضیات زمان و مقاومت در برابر اشغال‌گری اسرائیل در شرایط فشارهای بین‌المللی و نبود موازنه قدرت ناتوان بوده است. از این رو، عملیات کیفی و موفقیت‌آمیز مقاومت اسلامی، مایه اعجاب دوستداران و طرفداران و نیز خواستاران

آزادی و عزت و حق از یک سو و رعب و وحشت مستکبران و اشغال‌گران و تجاوزکاران از سوی دیگر شد، چرا که خط پایانی بر نقشه‌های آنان در تجاوزگری و تحمیل سلطه متجاوزان کشید.

درک و نگرش حزب به مسائل گوناگون، بر پایه چنین ایمانی است و میان حرکت عملی و پایه‌های عقیدتی جدایی نمی‌بیند. با این همه، بیان اصول اسلامی به‌طور کلی کفایت نمی‌کند، چرا که وجود تفسیرهای متفاوت و فرقه‌ها و گرایش‌ها و احزاب متعدد نشانگر ضرورت بیان جزئیات به‌طور مشخص است. باید دید که چه چیزی حزب‌الله و مقاومت آن را در این جایگاه قرار داد؟ چه عاملی در جهان بیرونی، آن را از دیگر گروه‌ها متمایز ساخت؟ صد البته این اصول و روش‌هاست که پایه‌های تجربه عملی را تبیین می‌کند.

حزب‌الله، تجمعی فرقه‌گرا یا روشمند؟

پیمودن راه و شیوه‌ای که اسلام مقرر داشته است، نیازمند درک همه جانبه و اتکا به دیدگاهی خاص در تفسیر و معنای حقیقی آن است. با وجود مذاهب متعدد اسلامی، به‌عنوان شیوه‌هایی برای بیان باورهای پیروان آن‌ها درباره راهی که به پایبندی به شریعت مقدس می‌انجامد؛ انتخاب یکی از این شیوه‌ها ضروری است. حزب‌الله در فهم خود از اسلام، مذهب اهل بیت علیهم‌السلام یا تشیع را به‌عنوان پایبندی و تعهدی که مجموعه‌ای از قواعد در اصول و فروع بر آن مترتب می‌شود و در کل زمینه فکری و فقهی ویژه‌ای تشکیل می‌دهد، انتخاب کرده است. چه بسا سؤال شود که چرا در این انتخاب، گزینشی از مجموعه مذاهب صورت نگرفت تا یک مجموعه فقهی متنوع و ائتلافی بوجود آید و بدین ترتیب، شیوه‌ای عملی در وحدت مسلمین به مورد اجرا گذاشته شود؟ خواهیم گفت که آرزوی بزرگ ما آن است که در موقعیتی قرار بگیریم که مایه وحدت مذاهب اسلامی باشد. اما وحدت مقوله پیچیده‌ای است که فقها در طول صدها سال، از عهده حل آن برنیامدند و نیازمند تشکیل کمیته‌های تخصصی از عالمان دینی است که وارد بحث‌ها و پژوهش‌های اصولی و جسورانه برای بررسی همه مسائل شود. وانگهی، روشن نیست که آیا این تلاش به نتیجه خواهد آن‌جامید یا خود پایه‌گذار مذهب نوینی خواهد شد، به‌ویژه آن که مساله منحصر به مذاهب اسلامی نیست، چرا که در درون مذاهب

واحد نیز با اختلاف فقیهان در تفسیر و تاویل روبرو هستیم. این یک مقوله علمی است که ناشی از طبیعت تحصیل و اجتهاد است و نمی‌توان آن را در میان افراد بشر از بین برد. لذا به جای آنکه در آرزوها و رویاها سیر کنیم و اختلاف مذاهب یا درون مذهب واحد را مانع و مایه بحران تلقی کنیم، شایسته است که برای تحکیم مشترکات آن‌ها در سطح علمی بکوشیم که این می‌تواند تحقق بخش وحدت در اشکال فرهنگی، سیاسی، مبارزاتی و مانند آن باشد، بدون آنکه در آرزوی وحدت همه جانبه در جا زنییم یا مسائل مختلف را به هم ارتباط داده، بر پیچیدگی آن‌ها بیفزاییم. زمینه‌های بسیاری وجود دارد که باور علما یا سازمان‌ها و تشکل‌های مسلمین در آن‌ها یکسان است و می‌تواند مقدمه کارسازی برای افزایش وحدت آنان شود. شایسته است که در رویایی با چالش‌ها، در کنار یک‌دیگر باشیم، نه آن که خود را به مباحثی همچون جنس فرشتگان سرگرم کنیم، در حالی که سرزمین ما غصب شده است و آینده ما در معرض تهدید استکبار ستمگر جهانی است؛ وگرنه خواب غفلت ما را فرا خواهد گرفت، همان گونه که در بسیاری از مقاطع تاریخ منطقه ما، به دلیل پرداختن به درگیری‌های غیراصولی در روند چالش‌های فرارو شاهد آن بوده ایم. از آن جا که هر انتخاب‌گری در برابر خدای متعال مسئول است، هر کس باید بر اساس باورهای خود، به آنچه مایه رضای پروردگار است، عمل کند و خدای متعال، اعمال هر کس را مورد محاسبه قرار خواهد داد.

تفاوت تجمع فرقه‌گرا با تجمع عقیدتی و روشمند

بنابر آنچه گذشت، میان تجمع فرقه‌گرا و مذهب‌گرا با تجمع عقیدتی و روشمند تفاوت بسیاری وجود دارد. تجمع نخست، بر محور حمایت فرد در ارتباط با مذهب و فرقه‌ای استوار است که در میان پیروان آن زاده شده است، بی‌آنکه به مضمون و محتوا توجه داشته باشد؛ در حالی که در نوع دوم، اجتماع افراد بر اساس باورها و پایبندی به آن‌هاست و دارای ضوابط، ادبیات و تلاش عملی ویژه خود است. باید میان ارتباط فهری فردی که درون فرقه معین به دنیا آمده است، با هویت فرقه‌ای خود و ارتباط اختیاری افراد با پروژه‌ای که دارای نگرشی کامل نسبت به هستی، انسان و زندگی است، تفاوت قائل شد. گفتنی است، هر که این دورا در هم بیامیزد یا نسبت به حقیقت مسائل نادان است

و نیازمند دانش و اطلاعات و آموزش برای تفکیک میان آن‌هاست یا قصد فریب دارد تا دیگران را به چیزهایی متهم کند که در نتیجه، خود را از ورود به یک مناظره اصولی معاف بداند، یا آن که امور بر وی مشتبه شده است و لذا با بحثی آرام و اصولی، می‌تواند به انتخاب راه خود (مثبت یا منفی) اقدام کند.

از آن‌جا که انتخاب اسلام بر شیوه مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، ناشی از باور و ایمان حزب‌الله بدین شیوه است، بدیهی است که آن گروه از مومنان به این مکتب در حزب‌الله گرد هم آیند تا در راه تحقق اهداف منتخب بکوشند و پشتوانه تشکیلات، هواداران، دوستان و مویدان باشند. همچنین بدیهی است که شیعیان (از لحاظ مذهب) بیش از دیگران، بدین انتخاب لبیک بگویند، چراکه پیچیدگی‌ها و موانع کمتری در برابر آنان قرار دارد، اما این به معنای بازداشتن دیگران از پایبندی به اهداف و ساز و کارهای تشکیلاتی وضع شده نیست و همگان می‌توانند، بخشی از این حرکت باشند. روی آوردن گروهی از شیعیان به حزب‌الله، به مثابه استقبال از ارتباط عقیدتی و نه فرقه‌گرایانه است، چراکه گروهی دیگر از شیعیان را می‌توان یافت که با حزب‌الله ارتباطی ندارند و لذا آن‌چه همه را گردهم آورده است، مبانی عقیدتی و فکری و نه ارتباط فرقه‌ای است.

پیامدهای این روش نیز آموزنده است. هنگامی که حزب‌الله، بنابر موقعیت اسلامی خود کارکردی ملی بروز می‌دهد و بر وحدت داخلی تأکید می‌ورزد و تعامل با همه طرف‌ها را برای تکامل نقش‌ها و کارکردها به منظور خدمت به همگان می‌پذیرد و برای آزادسازی زمین تحت اشغال صهیونیستی جهاد می‌کند و جایگاه ویژه عربی و اسلامی برای خود فراهم می‌کند و باورهای خود را همچون دیگران، با ابزارهای سیاسی ممکن مطرح می‌کند، راه بر طرح ملاحظاتی که در مورد همه نیروها و احزاب با تفاوتی اندک که در بعضی از مسائل مطرح است، بسته می‌شود. اصلاً نمی‌توان مردم را بر هر شیوه و عنوانی گرد هم آورد و باید نگرش معینی مطرح شود که بعضی از آن را بپذیرند و گروهی مردود بشمارند و این سنت زندگی دنیاست.

هیچ کس نمی‌تواند خود را در طرح‌های ناپایدها، داور و معیار قرار دهد. همان‌گونه که هر طرف یا حزب و سازمانی باورهای خود را دارد که آن‌ها را ترویج می‌کند و

می‌کوشد تا برای خود به یارگیری پردازد، حزب‌الله نیز باورهای خود را دارد و بر اساس آن‌ها عمل می‌کند. در این مسیر، هیچ چیز جز ظلم و تجاوز و تحمیل به زور، نمی‌تواند ممنوع تلقی شود. واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی نیز، هر روش فردگرایانه را که در تلاش نفی دیگران، به زور و تحمیل است، خود به خود با شکست روبه‌رو خواهد ساخت.

تفاوت شهادت طلبی و خودکشی

مبنای شهادت طلبی، بر مفاهیم دینی در زمینه حیات پس از مرگ استوار است و بنابراین، انسان می‌تواند سعادت‌مند زندگی کند و همه رویاهای خود را تحقق بخشد. علاوه بر این ثمره شهادت شهیدان، امت را نیز در برمی‌گیرد. شهادت برای آزادسازی سرزمین، ابعاد مادی را در می‌نوردد و جلوه‌ای از اطاعت خدا و ادای تکلیف دفاع از سرزمین است و دقیقاً به همین دلیل، شهادت در راه خدا شمرده می‌شود.

شهادت یک عمل داوطلبانه و ارادی از سوی انسانی است که همه ابزارها را برای گذاردن زندگی دنیا و پایبندی و طمع ورزی به آن در اختیار دارد و از هیچ چیزی رنج نمی‌برد تا در تلاش‌هایی از آن باشد. شهادت طلبی، اقدام جوانان آکنده از شور و زندگی امیدهای آینده است و بی‌گمان ناشی از ترتیب دینی و معنوی ویژه‌ای است که ایثار و ترجیح آخرت بر دنیا و امت بر فرد و فداکاری بر دستاوردهای پست و بی‌ارزش را به انسان می‌آموزد.

شهادت بازگوکننده از خودگذشتگی در اوج ارجمندی است و در ارتباط با رویایی با دشمن در چارچوب ضوابط شرعی مشخص است و چنانچه ضربه زدن به دشمن یا وارد کردن بیشترین خسارت‌ها پیروزی بر آن، متوقف بر مرگ بعضی از مجاهدان و شهادت آنان باشد، چنان مرگی مشروع خواهد بود. چنین اقدامی با انتحار و خودکشی متفاوت است.

خودکشی نشانگر نومیثی از زندگی و بسته شدن همه افق‌ها در راه تحقق اهداف است و شکستی است که به فقدان معنا و مفهوم ادامه موجودیت می‌انجامد و انسان نومید را به پایان دادن به زندگی خود سوق می‌دهد؛ رویدادی که معمولاً برای افراد غیرمومن رخ می‌دهد.

انسان مومن چشم به آن جهان دوخته است که خدا زیانش را جبران کند و می‌داند که

شکیبایی پاداش خواهد داشت و هرگز نباید، به رغم همه دشواری‌های فرارو، در حال یاس و نومیدی به زندگی خود پایان دهد، چرا که کیفری سخت در آتش جهنم در انتظار او خواهد بود. او می‌داند که حق ندارد با این روش (خودکشی) در زندگی و حیاتی که موهبت الهی است، تصرف کند، چراکه زندگی امانتی در دست اوست و اختیار آن را ندارد که در برخورد با آن، به هر شکل ممکن آن را به پایان برد، باید دانست، کسانی که دست به خودکشی می‌زنند، افرادی هستند که به دلایل اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی یا سیاسی نومید شده‌اند و هنگامی که همه راه‌های دستیابی به خواسته‌هایشان، در برابر آنان بسته شود یا بار امتحان و ابتلایی که با آن روبرو هستند، بر دوش آنان سنگینی کند، به این راه پناه می‌برند.

درک مفهوم شهادت‌طلبی و موافقت با آن، هرگز در چارچوب عرف‌های بین‌المللی و سیاست‌های مستکبران و ارزیابی‌های مخالفان آن نمی‌گنجد. از این رو طبیعی است که آنان، حمله‌ای سازمان یافته و همه جانبه در انتقاد از شهادت‌طلبی و توصیف آن با ویژگی‌های مختلفی آغاز کنند، چراکه شهادت‌طلبی سلاحی است که از یک سو خارج از دایره نفوذ و اثرگذاری آنان است و از سوی دیگر، نمی‌توان آن را از دست صاحبان آن گرفت.

دو احتمال برای اعمال فشار بر گروه‌های مقاومت و حزب‌الله لبنان

از آن‌جا که حمله شدیدی به حزب‌الله و موجودیت، نقش و اهداف آن جریان دارد، پرسش درباره تداوم فعالیت آن همواره مطرح خواهد بود. چنانچه تصفیه فیزیکی مستقیم حزب‌الله از راه تجاوزات اسرائیل امکان پذیر نباشد، شاید تحولات منطقه به شرایطی منجر شود که یکی از دو حالت زیر یا هر دو رخ دهد:

برانگیختن فتنه داخلی با ارتش لبنان یا بعضی نیروهای محلی که منجر به اقدام سیاسی خاصی از سوی حکومت لبنان گردد که موجودیت حزب‌الله را به عنوان یک نیروی مقاومت از صفحه پاک کند.

چنین احتمالی همانند یک معضل گذرا رخ نخواهد داد بلکه برخاسته از یک موضع‌گیری سیاسی خواهد بود که مقدمات آن به تدریج بروز یافته، به سوی ایجاد فتنه پیش می‌رود تا حصول نتیجه آسان‌تر صورت پذیرد. با این همه امکان دستیابی به این

هدف وجود ندارد، زیرا موضع سیاسی ارتش لبنان و طرف‌های داخلی فعال در صحنه، هماهنگی کاملی با موضع مقاومت دارد و از آن حمایت می‌کند.

انجام معامله‌ای با سوریه مبنی بر رهایی این کشور از فشارهایی که علیه آن وارد می‌شود، در مقابل دست برداشتن آن از حمایت از حزب‌الله. از آن‌جاکه سوریه طرفی است که پوشش سیاسی مساعدی برای تداوم مقاومت ایجاد می‌کند، برداشتن این پوشش، حزب‌الله را تنها در معرض حمله دیگران قرار خواهد داد و در نتیجه سرکوب مقاومت آسان‌تر خواهد بود.

این احتمال نیز ناوارد است، زیرا رابطه استراتژیک میان سوریه و حزب‌الله که به گونه‌ای تدریجی و آرام رشد کرد و نقاط اشتراک دو طرف در نگرش به تحولات منطقه و صداقتی که در طول تاریخ جهاد و مبارزه حزب‌الله از هنگام تجاوز اسرائیل تا آزادسازی لبنان و پس از آن حاکم بوده است، علاوه بر نیاز عملی به ادامه همکاری طرفین در رویارویی با چالش‌ها و مخاطرات و جدی بودن موضع‌گیری سوریه در برابر اشغال‌گری اسرائیل و حق آزادسازی سرزمین، همه عواملی است که بر محال بودن این احتمال تأکید دارد.

تداوم مقاومت

آن‌چه گفته شد آیا به مفهوم آن است که مقاومت به طور دائم استمرار دارد و هیچ مانعی فراروی آن نخواهد بود؟

مقاومت به عنوان واکنشی در برابر اشغال‌گری اسرائیل ظهور یافت؛ روندی که از فلسطین آغاز شد و به سایر نقاط منطقه عربی گسترش یافت. از این رو تا زمانی که اشغال‌گری ادامه داشته باشد، مقاومت هم تداوم خواهد یافت، زیرا مقاومت برخاسته از ایمان و ضرورت از بین رفتن اشغال‌گری است و صرفاً یک حالت گذرا و عارضی نیست. از آن‌جا که کارکرد اشغال‌گران چنان‌که گسترش یافته است که اشغال سرزمین، ارباب کل منطقه، اخراج فلسطینیان و تجاوز به حریم و آب‌های سرزمینی کشورهای مجاور هم‌چون لبنان در برگرفته است، مقاومت علیه آن باید به روش‌های مختلف و هماهنگ با ماهیت و چگونگی شرایط میدانی و جغرافیایی و با شیوه‌هایی که فرصت را از اسرائیل برای تحقق اهدافش بگیرد و با بهره‌مندی از واقعیت‌های سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی تداوم یابد.

دیپلمات‌ها و روزنامه نگاران بارها این پرسش را با حزب‌الله مطرح کرده اند: چنانچه اراضی لبنان به‌طور کامل آزاد شود و همه بازداشت شدگان و اسیران رها شوند، حزب‌الله چه خواهد کرد؟

از آن‌جا که احتمالات بسیاری وجود دارد، پاسخ‌ها و واکنش‌ها نیز متعدد خواهد بود و لذا چنانچه پاسخ به این پرسش به تحقق یک خواست اسرائیل بینجامد، بهتر است که همچنان مبهم بماند و دلیلی ندارد که مقاومت، خود را مقید به پاسخ‌هایی کند که برایش الزام آور باشد یا از هم اکنون آن را در موضع پاسخ‌گویی قرار دهد.

اگر تاکنون رژیم اسرائیل اقدام به ماجراجویی و تجاوز جدیدی نکرده است، تنها ناشی از رعب آن از آمادگی و توان مقاومت اسلامی و واکنش آن است و این خود، ضرورت حفظ قدرت و توان مقاومت را نشان می‌دهد تا لبنان بتواند در برابر خطرهای احتمالی ایستادگی کند.

پیش‌بینی‌های آینده در حزب‌الله لبنان و گروه‌های مقاومت

در سخن از آینده، نخست باید وضع کنونی را که در برگیرنده بایسته‌های موفقیت یا شکست، تداوم یا عقب‌گرد، رشد یا اضمحلال است، ارزیابی کرد تا شاخص‌های ارزیابی، به ترسیم چهره احتمالی آینده کمک کند. اگر به مساله روش حزب‌الله بپردازیم، باید بگوییم که همان روش اسلام است که به رغم گذشت بیش از هزار و چهارصد سال از طرح آن، همچنان پر توان و کارآمد تداوم یافته است و بر پایه اساس همین روش، حرکت حزب‌الله با این اثبات و شفافیت آغاز شده است. از آن‌جا که گرایش هر فرد، جدا از تربیت عقیدتی و رفتار اسلامی او نمی‌باشد و نیز کار فرهنگی و بسیج اعضا بخش‌های اساسی از روش کار حزب‌الله را همواره تشکیل می‌داده است، ملاحظه می‌شود که ریشه دار کردن اصالت‌های عقیدتی و شرعی، باعث تربیت گروهی شده است که به این روش که دارای قدرت و توان درونی برای تداوم است پایبندند. خدای متعال فرموده:

«بی‌گمان ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود»
(حجر (۱۵): ۹)

این تلاش بنیادین عقیدتی منحصر به نیروهای حزبی نبود، بلکه همه اقشار گوناگون

ملت را با موقعیت‌ها، فعالیت‌ها و سطوح مختلف سنی و همه آنان را که در دایره گسترده مردمی قرار می‌گرفتند، در بر گرفت.

عملکرد حزب الله چنین نبود که مردم را به عنوان یک محور و اهرم به خود ارتباط دهد، بی‌آنکه به خط‌مشی توجه شود و به آن چه موفقیت حزب را در این که چارچوبی کارآمد برای نیروها باشد و نقش‌ها و کارکردها را تقسیم کند و ارتباطات اجتماعی را افزایش دهد و تجربه‌ای عملی در عرصه جهاد و ترجمان مفاهیم اصیل اسلامی را به ثبت برساند. همین رویکرد، مصونیتی برای انسجام، رشد و ایستادگی در برابر چالش‌ها به حزب داده است.

چنین رشد و تحولی از ناتوانی به قدرت و از اندکی همراهان به بسیاری از آنان و از انزوا به همکاری با دیگران طبیعی بود و لذا گام‌های برداشته شده، به تحکیم بنایی استوار آن‌ها رسید، هرچند که این تحول بسیار سریع و شتابان صورت گرفت و این سرعت، به طور اساسی ناشی از حجم فداکاری‌ها و پیش و پس از هر چیز، عنایت خداوند نسبت به بندگان مومنش بود:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را یاری کنید، یاریتان می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد» (محمد (۴۷): ۷)

چنین بنایی ثابت و پابرجا، هرگز نباید با تهدیدها یا تصمیم‌های استکبار فرو نمی‌ریزد. بر این بیفزاییم، نیاز مردم را به کسی که آنان رهبری کند و طلیعه دار آنان باشد. همچنین از آن‌جا که پروژه‌ها و برنامه‌های حزب الله و تجربه و دستاوردهای آن، بارقه امید در منطقه، با توجه به واقعیت‌های دردناک و نومیدکننده اش بوجود آورد و از سوی دیگر تجربه‌های تسلیم‌گرایان و مرعوبان در برابر استکبار و اسرائیل، با شکست مواجه شده است، نتایجی که نومید بخش تداوم راه باشد، بیش از هر احتمال دیگری قابل پیش بینی و انتظار است.

جمع بندی

این خطای بزرگی است که حوزه تفکر و اندیشه ما به زبان کنونی و ماهیت شرایط و معادلات پیرامون آن منحصر شود. پرسش درباره آینده، پرسش از آینده آمریکا، اسرائیل، جهان و منطقه است، همچنان که پرسش درباره آینده حزب الله نیز هست، زیرا عوامل

ایجاد تغییرات و اعمال فشار و شرایط سیاسی اختصاص به گروهی جدای از سایر گروه‌ها ندارد و نشانه‌ها و شاخص‌های موفقیت یا شکست، متأثر از قواعد و سنت‌هایی است که بر همگان انطباق دارد، با این تفاوت که مومنان برخوردار از ویژگی اطمینان و اتکال به حمایت خدای متعال هستند، خدایی که به آنان نیرویی مضاعف می‌بخشد و می‌توانند از نتایج ایمان خود که دشمنان و تجاوزکاران از آن بهره‌مند نیستند، استفاده کنند.

منابع

۱. کمال آراء، سید محمود، مقاله حزب الله لبنان، سایت خبرگزاری قدسنا.
۲. نعیم قاسم، (بی تا)، روزنامه اسرائیلی دافار.
۳. نعیم قاسم، (بی تا)، روزنامه السفیر.
۴. نعیم قاسم، (بی تا)، روزنامه العمل.
۵. نعیم قاسم، (بی تا)، روزنامه العهد (الاتقاد)، جلد اول تا جلد پانزدهم.
۶. نعیم قاسم، (بی تا)، روزنامه الکفاح العربی.
۷. نعیم قاسم، (بی تا)، روزنامه النهار.
۸. نعیم قاسم، ۱۳۸۳ش، حزب الله لبنان خط مشی، گذشته و آینده، مترجم: محمد مهدی شریعتمداری، تهران، اطلاعات، چاپ چهارم.
۹. سایت رسمی دستگاه خودگردان فلسطین در اینترنت.
۱۰. سایت مرکز اطلاعات ملی فلسطین در اینترنت.
۱۱. سایت مرکز اطلاعات اسرائیلی حقوق بشر.